

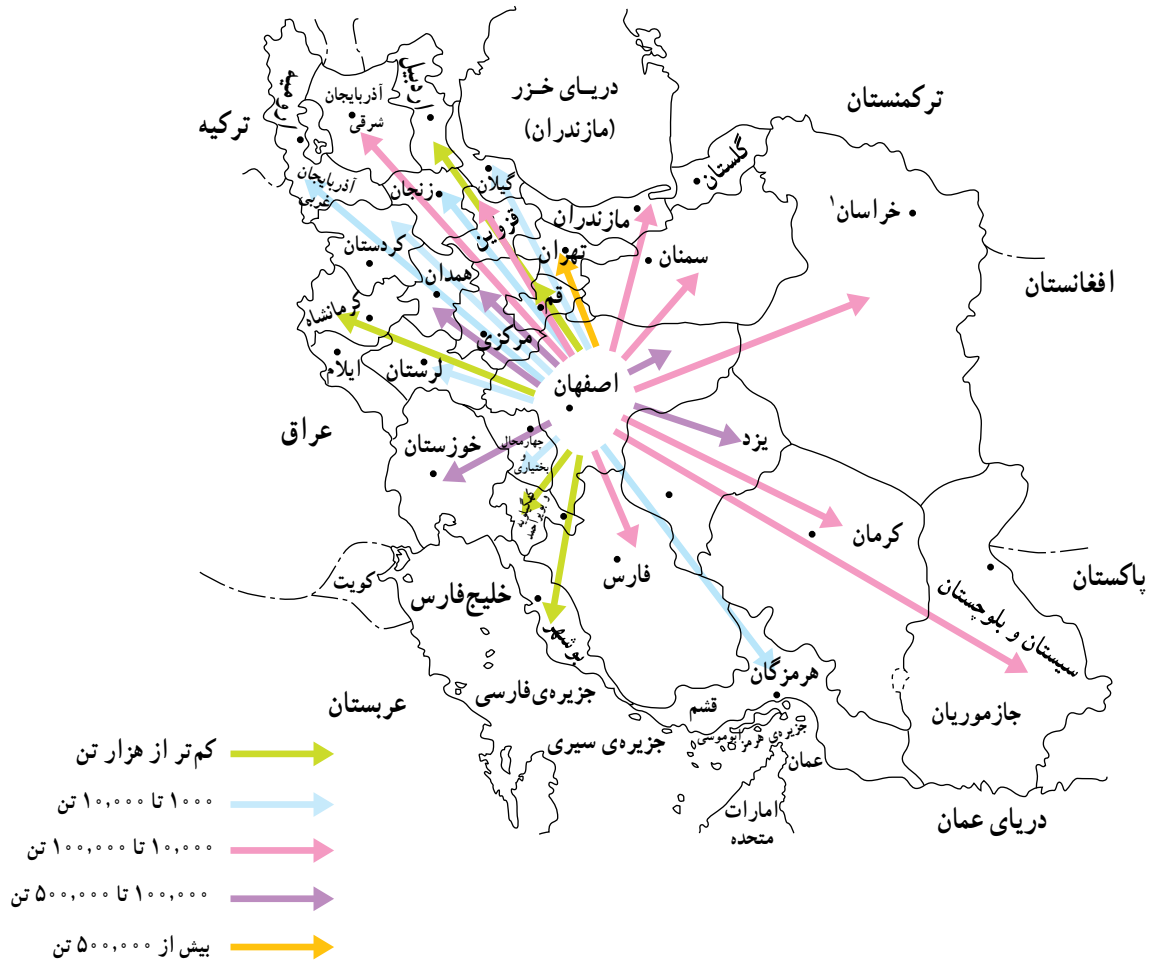
قالی تبریز

گران‌بهترین قالی ایران، فرش معروف بهارستان است که تالار پذیرایی کاخ مدائن یا محل اقامت پادشاهان ساسانی را مفروش می‌کرده است. مورخان می‌نویسند این قالی یکی از شاهکارهای ارزنده و کم‌نظیر هنر انسانی به‌شمار می‌رفته است. از سرنوشت این فرش پس از پیروزی اعراب بر ایران در سال ۶۳۵ میلادی، اطلاعی در دست نیست. در ایران، دو نوع فرش بافته می‌شود؛ یکی فرش‌های شهری و دیگری فرش‌های ایلیاتی. فرش‌های شهری، از قبیل فرش‌های کاشان، کرمان، مشهد، تبریز، اصفهان و قم که در شهرها و روستاها بافته می‌شود و فرش‌های ایلیاتی مانند ترکمن، بلوچی، افشاری و قشقایی که به وسیله‌ی ایلات و عشایر بافته می‌شود.

اهمیت صنایع دستی و روستایی در توسعه‌ی صادرات

با توجه به ساخت اقتصادی کشورهای در حال توسعه ملاحظه می‌شود که صادرات این‌گونه کشورها فاقد تنوع لازم است و عمدتاً محدود به یک یا دو ماده‌ی عمده است و در اغلب موارد ۷۰ تا ۹۰ درصد درآمد ارزی آن‌ها را تأمین می‌کند. برای مثال صادرات پنبه‌ی مصر، قهوه‌ی برزیل، مس شیلی، کف بنگلادش و نفت ایران به‌طوری که تجربیات حاصله از بازرگانی بین‌المللی تاکنون نشان داده، با مختصر کاهش در بهای جهانی این مواد، به‌یک‌باره تراز پرداخت‌های این‌گونه کشورها دچار چنان کسری‌ای می‌شود که حیات اقتصادی آن‌ها را تهدید می‌کند. به‌علاوه این کشورها برای آن که درآمد ارزی بیش‌تری برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی خود تأمین کنند، ناگزیر به میزان تولید خود می‌افزایند، در حالی که افزایش عرضه نسبت به تقاضای جهانی، پیوسته موجب کاهش قیمت مواد مذکور می‌شود و عملاً درآمد این ممالک از صادرات مواد خام تغییری حاصل نمی‌کند. از این‌رو، چند سالی است که سیاست توسعه‌ی صادرات با توجه به کیفیت آن؛ یعنی ایجاد تنوع هرچه بیش‌تر، از محصولات صادراتی، مورد توجه این کشورها قرار گرفته است. صدور اقلام مختلف فرآورده‌های دستی نیز در تأمین این هدف می‌تواند عامل سازنده‌ای باشد.

کشور ما نیز با کوشش بیش‌تر در این زمینه می‌تواند بر تأمین نیازمندی‌های داخلی، در خارج از کشور نیز صنایع دستی را به‌عنوان کالاهای صادراتی به‌فروش برساند و هرساله ارزش هنگفتی از این راه به‌دست آورد. قالی و قالیچه، امروزه یکی از صادرات مهم کشور ما را تشکیل می‌دهد. خاتم کاری و میناکاری نیز از صنایع مورد توجه خارجیان است.



نقشه‌ی محصولات حمل شده شرکت فولاد مبارکه به استان‌های مختلف کشور در سال ۱۳۷۶

صنایع کارخانه‌ای

صنایع کارخانه‌ای، مبتنی بر رفع احتیاجات و تأمین زندگی است و برخلاف صنایع دستی که ذوق و سلیقه و ظرافت و زیبایی از عوامل اصلی آن به‌شمار می‌رود، در این صنایع از عوامل فرعی به‌حساب می‌آید و به‌همین جهت صنایع کارخانه‌ای را صنایع ضروری نیز می‌نامند.

صنایع کارخانه‌ای یا ماشینی را برحسب مقدار مصرف مواد اولیه و کیفیت تولید و هم‌چنین مدت زمانی که برای استقرار آن‌ها لازم است، به دو دسته تقسیم می‌کنند: صنایع سنگین و صنایع سبک. صنایعی از قبیل صنایع غذایی، نساجی و سیمان را صنایع سبک و صنایع ذوب آهن، ذوب مس، پتروشیمی، نفت و کاغذ، از جمله صنایع سنگین به‌شمار می‌روند.

۱. آمار مندرج در نقشه‌ی فوق مربوط به پیش از تقسیمات سیاسی در استان خراسان می‌باشد.



۱- صنایع سبک

صنایع نساجی ایران - بنا به شواهد تاریخی، صنعت نساجی به صورت دستی از خیلی قدیم در این کشور رایج بوده و مردم این مرز و بوم با این فن آشنایی داشته‌اند و احتیاجات ریسندگی و بافندگی خود را با ابزارهای کوچک دستی مرتفع می‌ساخته‌اند ولی صنعت نساجی ماشینی که یکی از مظاهر اولیه‌ی انقلاب صنعتی در نیمه‌ی دوم قرن هیجدهم میلادی است، در اواخر قرن گذشته در ایران رایج شد و به تدریج دستگاه‌های کوچک نساجی دستی جای خود را به کارخانه‌های بزرگ نساجی داد.



کارخانه سیمان نکا

اولین کارخانه‌ی نساجی در سال ۱۲۷۹ شمسی به کوشش صنایع الدوله در تهران تأسیس شد که شامل ۱۲۰۰ دوک ریسندگی بود ولی اساس صحیح صنعت نساجی در ایران با تأسیس کارخانه‌ی نساجی قائم‌شهر (شاهی) در سال ۱۳۰۹ پایه‌گذاری گردید. پس از آن، صنعت ریسندگی و بافندگی ماشینی در برنامه‌ی صنعتی کردن کشور قرار گرفت. در سال ۱۳۱۴، حریربافی چالوس و پس از آن کارخانه‌های بافندگی بهشهر و گونی بافی قائم‌شهر دایر شد. در خلال این مدت چندین کارخانه‌ی دیگر توسط بخش‌های خصوصی در اصفهان و یزد و دیگر نقاط کشور برپا شد. تا قبل از جنگ جهانی دوم، تعداد این کارخانه‌ها به حدود ۴۰ عدد می‌رسید. وقوع جنگ جهانی و اشغال ایران توسط قوای بیگانه، دامنه‌ی این فعالیت را تا حدودی محدود ساخت. پس از پایان جنگ، امور صنایع نساجی دوباره مورد توجه قرار گرفت و علاوه بر تکمیل کارخانه‌های موجود، به تأسیس کارخانه‌های جدید زیادی اقدام شد. صنایع نساجی را از لحاظ نوع مواد اولیه و خامی که مصرف می‌کنند و محصولی که به بازار عرضه می‌نمایند، معمولاً به چهار دسته‌ی عمده‌ی صنعت نساجی نخی (پنبه‌ای)، پشمی، ابریشمی و کنفی تقسیم می‌کنند.

صنایع سیمان ایران - اولین نشانه‌های کاربرد سیمان در کشور را در تأسیسات بنادر جنوب و شمال و برخی از سفارت‌خانه‌ها،



کلیساها و مؤسسات تجاری و تولیدی که در دو سده‌ی گذشته به دست خارجیان احداث شده می‌بینیم. به تدریج که فعالیت‌های مربوط به ایجاد راه، خیابان، پل و مانند این‌ها در ایران توسعه یافت، سیمان نیز جزو اقلام وارداتی کشور شد که نخستین موارد استفاده‌ی آن در برنامه‌های عمرانی کشور بود. با آغاز فعالیت‌های مربوط به راه‌سازی به‌ویژه تأسیس راه‌آهن سراسری و تأسیسات بندری جنوب، هم‌چنین توجه به ایجاد صنایع در کشور، نیاز به تولید سیمان احساس شد و متعاقب آن در سال ۱۳۰۹ اولین کارخانه‌ی سیمان تأسیس شد. از آن زمان کارخانه سیمان در نقاط مختلف کشور ایجاد شده است.

تولید سیمان در کشور در سال‌های مختلف به شرح زیر بوده است (هزار تن)

۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳
۳۳/۰۰۰	۲۱/۷۰۰	۲۰/۰۴۹	۱۶/۹۹۵	۱۶/۴۴۲	۱۵/۴۶۰	۱۶/۲۵۰

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اتخاذ سیاست بازسازی و سازندگی هرچه بیش‌تر روستاها، شروع جنگ تحمیلی و مصارف روزمره‌ی جبهه‌ها و نیز مصارف مربوط به بازسازی مناطق جنگی، به میزان تقاضای سیمان بیش از پیش افزود و به رغم بهره‌برداری از سه واحد جدید تولید سیمان (سپاهان، بهبهان و مازندران)، باز هم میزان تولید سالانه‌ی سیمان قادر به رفع نیاز طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی دولتی و فعالیت‌های ساختمانی بخش خصوصی نیست.

۲- صنایع سنگین

صنایع نفت و گاز - ایرانیان از روزگاران قدیم نفت را می‌شناختند و از چاه‌های کم عمق استخراج می‌کردند. مردم سرزمین ما بیش از ۶۰۰۰ سال قبل در این زمینه کاوش می‌کرده‌اند.

کلمه‌ی نفت در فارسی معلوم نیست از چه زبانی گرفته شده است. بعضی از مستشرقین غربی معتقدند که این کلمه از «ناب» فارسی که به معنی ضد رطوبت است، مشتق شده ولی در زبان اوستایی «پنیا» بوده و کلدانی‌ها و یهودی‌ها و عرب‌ها آن را از مادها، گرفته و «نفتا» خوانده‌اند.

هرودوت، مورخ یونانی، چگونگی کندن چاه نفت را این‌طور شرح می‌دهد: «در اریکار نزدیک شوش چاهی بوده که ایرانیان از آن سه ماده‌ی قیر، نمک و نفت استخراج می‌کردند و در حوضچه‌ای می‌ریختند و پس از ته‌نشین شدن نفت را جدا می‌کردند.» فردوسی گوید:

بسی نفت و روغن پیامیختند همی برسر گوهران ریختند

«شاردن» جهانگرد فرانسوی که در دوره‌ی صفویه به ایران آمده است. در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «در مازندران نفت سیاه و سفید یافت می‌شود و مردم آن را برای رفع سرماخوردگی و روشنایی به کار می‌برند.» صنعت جدید نفت و قراردادهای نفت به مفهوم کنونی در قرن ۱۹ (در سال ۱۸۵۹) میلادی پدید آمد.



کلنل دریک در ایالت پنسیلوانیای آمریکا اولین چاه نفت را حفر کرد ولی هنوز جنبه‌ی عمومی و صنعتی پیدا نکرده بود. در سال ۱۹۰۰ میلادی با پدید آمدن ماشین‌های درون‌سوز و دیزل، دوران جدیدی در این صنعت آغاز شد.

در ایران در سال ۱۸۷۲ میلادی ناصرالدین شاه امتیازنامه‌ی نفت را به یکی از اتباع انگلیس به نام بارون ژولیوس روتر به مدت ۷۰ سال اعطا کرد و قرار شد که از منافع آن ۱۵ درصد به دولت ایران بپردازد. این امتیازنامه نه تنها در کشورهای دیگر غربی باعث حیرت مردم شد؛ بلکه در انگلستان هم با سرو صدا و جنجال روبه‌رو گردید و روزنامه‌ها آن را عاقلانه ندانستند. این امتیازنامه مربوط به کلیه‌ی معادن ایران به جز طلا و نقره بود ولی اعتراض روس‌ها و نیز اعتراض علما و رجال مملکت موجب شد که پس از ۱۵ ماه این امتیازنامه لغو شود.

در سال ۱۸۸۳ میلادی حق استفاده و بهره‌برداری از معدن نفت موجود در دالکی به شخصی موسوم به آلبرت هوتز (Albert Hotz) رئیس تجارتخانه‌ی «هوتز و کمپانی» در بوشهر داده شد. با آن که نام‌برده اقدام به حفر چاه نمود ولی چون محل را برای استخراج نفت مناسب نیافت دست، از کار کشید و فعالیت خود را متوقف ساخت و حقوق خود را به یک شرکت انگلیسی به نام شرکت معادن ایران که بعدها تشکیل شد، واگذار کرد.

در سال ۱۸۸۸ میلادی، امتیاز تأسیس بانکی که ضمناً حق کشف و استخراج بعضی از معادن از جمله نفت را در برداشت، به بارون جورج روتر فرزند ژولیوس روتر که تقاضای غرامت از لغو امتیازنامه‌ی پدرش را داشت، اعطا شد. طبق این امتیاز، بانکی معروف به بانک شاهنشاهی تأسیس شد که در این اواخر به نام بانک ایران و انگلیس و بانک ایران و خاورمیانه نامیده می‌شد. متعاقب آن شرکتی به منظور استفاده از منابع معدنی ایران تشکیل شد. این شرکت پس از آن که حقوق هوتز را در ناحیه‌ی دالکی گرفت و دالکی و نیز در جزیره‌ی قشم اقدام به حفر چاه نمود ولی چون نتیجه‌ی مطلوب به دست نیامد، از ادامه کار منصرف شد و در سال ۱۸۹۹ میلادی امتیاز آن لغو شد.

در سال ۱۹۰۱، دولت ایران امتیازی به مدت ۶۰ سال به ویلیام ناکس دارسی اعطا کرد. طبق این امتیازنامه، مواد نفتی و قیر و گاز در تمام کشور (به استثنای آذربایجان، گیلان، مازندران، گرگان و خراسان) به وی داده شد و قرار شد حق ایران ۱۶ درصد از منافع باشد و سالی ۲۰۰۰۰ لیره مالیات نیز به دولت ایران بپردازد. در سال ۱۹۰۲، دارسی اولین چاه نفت را در محلی به نام چاه سرخ نزدیک قصرشیرین حفر کرد و در همان سال به نفت رسید. در سال ۱۹۰۵ دو چاه در منطقه‌ی ماماتین نزدیک هفتگل حفر شد اما اثری از نفت پیدا نشد. در خرداد ماه ۱۲۸۷ شمسی مطابق مه ۱۹۰۸ میلادی نخستین چاه (چاه شماره‌ی یک مسجدسلیمان) به مخزن بزرگی رسید. از آن پس، شرکت نفت به نام شرکت نفت بختیاری نامیده شد و در سال ۱۹۰۹ تبدیل به شرکت نفت ایران و انگلیس شد. در سال ۱۹۱۴ درباری دولت بریتانیا که سوخت ناوگان جنگی آن در جریان جنگ اول جهانی از زغال سنگ به مواد نفتی تبدیل شد و نفت ایران مهم‌ترین منبع سوخت این کشتی‌ها به‌شمار می‌رفت، یک قرارداد درازمدت با شرکت مذکور منعقد ساخت که مصرف نفت تمام ناوهای دریایی آن دولت را از آن شرکت خریداری کنند. متعاقب آن، دولت انگلستان مبلغ ۲ میلیون لیره در آن شرکت سرمایه‌گذاری کرد و در نتیجه اکثریت سهام آن را (۵۳ درصد) به دست آورد. پس از آن، کمپانی مذکور فعالیت اکتشاف و استخراج نفت را به سرعت توسعه داد. در سال ۱۹۱۱، ساختمان پالایشگاه آبادان شروع شد و لوله‌ای از میدان نفتون به این ناحیه کشیده شد.



سکوی حفاری چاه نفت در فلات قاره خلیج فارس



شرکت نفت ایران و انگلیس توجه خود را فقط به معادن مسجد سلیمان محدود نساخت، بلکه اقدامات لازم برای اکتشاف و کاوش در دهلران و جزیره قشم و چند نقطه‌ی دیگر، از جمله در هفتگل، به عمل آورد. در سال ۱۹۳۲، دولت ایران امتیاز داری را لغو کرد و پس از چند ماه مذاکره امتیاز جدیدی به مدت ۶۰ سال به شرکت مزبور اعطا کرد. این امتیازنامه به موجب قانون ملی شدن صنعت نفت لغو شد.

ملی شدن صنعت نفت — از آنجا که قرارداد داری استعماری بود که منابع نفت ایران را به مدت ۶۰ سال به غارت می‌برد، باعث نارضایتی مردم شد. این نارضایتی پس از پایان جنگ جهانی دوم اوج تازه‌ای گرفت. در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت ایران به تصویب رسید. در خرداد سال ۱۳۳۰، از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید شد و براساس این قانون که به قانون ۹ ماده‌ای معروف است، شرکت ملی نفت ایران تشکیل شد و عهده‌دار تمام امور مربوط به اکتشاف و استخراج و تصفیه و فروش نفت و مشتقات آن در سراسر کشور و فلات قاره و هم‌چنین صدور آن به خارج شد.



تصویری از صنایع پالایشگاهی

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و روی کار آمدن دولت کودتا، دوباره قراردادی در آبان ۱۳۳۳ برای اکتشاف، تولید، تصفیه و فروش نفت و گاز با کنسرسیومی که از ۸ کمپانی خارجی تشکیل شده بود، منعقد ساخت که عبارت بودند از ۵ شرکت آمریکایی (تعداد آن‌ها بعداً به ۱۴ شرکت افزایش یافت) یک شرکت انگلیسی (شرکت سابق نفت انگلیس)، یک شرکت هلندی و یک شرکت فرانسوی.



صنعت نفت پس از انقلاب اسلامی ایران — پس از انقلاب اسلامی ایران تمام امور مربوط به صنایع نفت توسط دولت جمهوری اسلامی ایران اداره می‌شود و این صنعت با کوشش متخصصان ایرانی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. از آنجا که نفت مهم‌ترین منبع درآمد کشور و متعلق به نسل‌های آینده‌ی این سرزمین نیز می‌باشد، دولت جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت که صادرات این ماده‌ی حیاتی که قبل از پیروزی انقلاب به بیش از ۶ میلیون بشکه در روز می‌رسید، کاهش یابد.

مقدار زیادی از نفت تولیدی ایران به خارج صادر می‌شود و مقدار کم‌تری از آن در پالایشگاه‌های آبادان، تهران، تبریز، شیراز، اصفهان، کرمانشاه تصفیه و به مصرف داخلی می‌رسد.

صنعت گاز در ایران — استفاده از گاز طبیعی در ایران و خاورمیانه دارای سابقه‌ی چند هزارساله است. وجود و بقایای آتشکده‌ها و معابدی نظیر آتش جاودانی نزدیک کرکوک که به مشعل بخت‌النصر معروف بوده و هم‌چنین بقایای معابد زرتشتیان در نزدیکی مسجد سلیمان دال بر این مدعا است. بدیهی است نحوه‌ی استفاده از گاز طبیعی در روزگار باستان جنبه‌ی بسیار بدوی و ابتدایی داشته و طرز به کار بردن آن بی‌شبهت به روش چینی‌ها^۱ نبوده است.

از زمانی که نخستین چاه ایران در سال ۱۹۰۸ در مسجدسلیمان به نفت رسید و گازهای حاصل از استخراج نفت به اجبار سوزانیده شد، همواره سوختن و هدر رفتن مقادیر عظیمی از گاز در نواحی نفت‌خیز ایران، اذهان عمومی را بر آن می‌داشت که از این منبع عظیم استفاده کند.

گاز طبیعی سوخت تمیز و آسانی است و چون خاکستر به جای نمی‌گذارد و بو و دود ندارد، به‌عنوان سوختی ممتاز شناخته شده است. ارزش گرمایی یک متر مکعب گاز طبیعی حدود ۹۵۰۰ کیلوکالری؛ یعنی برابر گرمایی است که از سوختن یک لیتر نفت به‌دست می‌آید.

گاز طبیعی از بهترین انواع سوخت برای تولید انرژی به‌شمار می‌رود و مصرف آن در کشورهای صنعتی پیوسته روبه افزایش است. در کشور ما منابع عظیم گاز ثبت شده حدود ۲۲۷۰ میلیارد متر مکعب است. ایران با دارا بودن بالغ بر ۹/۱ درصد ذخیره‌ی گاز جهانی، یکی از کشورهای مهم دارنده‌ی گاز طبیعی در جهان است. منابع نفت ایران آمیخته با گاز طبیعی است که فشار همین گازها باعث می‌شود نفت خام بدون احتیاج به تلمبه‌زنی یا تزریق آب یا غیره، از اعماق چاه‌ها به سطح زمین آورده شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

انتقال گاز ایران به ترکیه در سال ۱۳۸۰ رسماً افتتاح شد و به بهره‌برداری رسید که گام مهمی در توسعه‌ی روابط خارجی، صادرات بازرگانی کشور محسوب می‌شود.

مراکز کنونی بهره‌برداری و تصفیه‌ی گاز — مهم‌ترین مراکز کنونی بهره‌برداری و تصفیه‌ی گاز در کشور در دو ناحیه‌ی آغاچاری (تصفیه‌خانه‌ی گاز بیدبلند) و مرکز خانگیران سرخس است.

۱- مرکز بهره‌برداری گاز بیدبلند: گازهای جمع‌آوری شده در ناحیه‌ی جنوب با لوله به تصفیه‌خانه‌ی گاز بیدبلند فرستاده می‌شود. این پالایشگاه که در ۱۷۵ کیلومتری شمال شرقی آبادان و ۴۰ کیلومتری شمال آغاچاری قرار دارد، در سال ۱۳۵۰ به

۱. چینی‌ها حدود ۹۰۰ سال بعد از میلاد، به طرز جالبی از گاز طبیعی استفاده می‌کردند. بدین ترتیب که گاز را به وسیله‌ی لوله‌هایی از نی که مفصل‌های آن با گل مسدود می‌شد، از چاه‌هایی که ۳۰۰ تا ۶۰۰ متر عمق داشت، خارج می‌کردند و آن را در محل مورد نظر شعله‌ور می‌ساختند.



بهره‌برداری رسید. این پالایشگاه دارای واحدهای تصفیه است که ظرفیت هر واحد تصفیه 240 میلیون فوت مکعب یا $6/8$ میلیون متر مکعب در روز است. گازهای منابع نفت خیز جنوب در پالایشگاه مذکور جمع‌آوری و پس از تصفیه از طریق لوله‌ی سراسری گاز که از جنوب به شمال کشیده شده، بین مراکز مصرف توزیع می‌شود.

برای توزیع گازهای این پالایشگاه جهت مصرف و هم‌چنین صدور قسمتی از آن، یک خط لوله به طول 1106 کیلومتر احداث شده که از جنوب کشور تا مرز ایران و جمهوری آذربایجان در شمال امتداد دارد. این خط لوله‌ی گاز که بهره‌برداری از آن در مهرماه 1349 آغاز شد، می‌تواند سالانه به‌طور متوسط تا حدود $16/5$ میلیارد متر مکعب گاز از پالایشگاه گاز بیدبلند در جنوب، به مرز ایران و جمهوری آذربایجان در آستارا برساند و نیز نیازمندی‌های صنعتی و غیرصنعتی داخل کشور را با ایجاد لوله‌های فرعی مرتفع سازد. لوله‌ی سراسری گاز، علاوه بر خطوط اصلی، هم‌اکنون در مسیر خود دارای چندصد کیلومتر دیگر خطوط لوله‌ی فرعی است که از طریق این لوله‌ها، گاز به شهرهای شیراز، اصفهان، تهران، قم و برخی نقاط دیگر ایران می‌رسد.

۲- مرکز بهره‌برداری خانگیران سرخس: منطقه‌ی سرشار از گاز خانگیران در 35 کیلومتری شهر سرخس واقع است که در شمال شرقی استان خراسان رضوی و در فاصله‌ی 165 کیلومتری شهر مقدس مشهد قرار دارد. این حوزه از اوایل دوره‌ی ژوراسیک شکل گرفته و در شرق دریای خزر (مازندران) منطقه‌ی وسیعی از دشت گرگان، شمال خراسان، ترکمنستان و شمال افغانستان را دربر می‌گیرد.

به دنبال کشف منابع عظیم گاز که در این منطقه وجود داشت، ایجاد یک قطب عظیم صنعتی برای استفاده از این منابع مطرح شد که ثمره‌ی آن طرح عظیم سرخس - نکاست که پروژه‌ای در ابعاد و مقیاس‌های بزرگ جهانی است.

کشف میدان عظیم گاز خانگیران با ذخیره‌ی بسیار عظیم، علاوه بر جنبه‌ی اقتصادی آن، از دو جهت دیگر نیز اهمیت دارد؛ ابتدا این که تمام عملیات اکتشافی، زمین‌شناسی و حفاری، توسط کارشناسان ایرانی و بدون مداخله‌ی کارشناسان خارجی انجام پذیرفته است؛ دوم این که این میدان عظیم گاز در خارج از حوزه‌ی مناطق جنوبی یافت شده است. کشف گاز در این میدان به احتمال نفتی بودن حوزه‌ی شمال شرقی و شرق افزوده و امید یافتن هیدروکربور در دیگر تاقدیس‌های این منطقه را افزایش داده است. حفر اولین چاه اکتشافی بر روی تاقدیس خانگیران در فروردین سال 1347 شروع شد و در شهریور همان سال به عمق نهایی 3511 متری رسید. با حفر این چاه، وجود گاز شیرین در ماسه‌ی سنگ شورجه و گاز ترش در سنگ آهک مزدوران ثابت شد. طی آزمایش‌های اولیه، بهره‌دهی چاه، حدود 29 میلیون فوت مکعب گاز در روز از مخزن مزدوران و بهره‌دهی مخزن شورجه حدود $8 - 10$ میلیون فوت مکعب گاز در روز است. گاز تولیدی برای مصارف صنعتی و خانگی در شهر مشهد مورد استفاده قرار گرفته و نیز سوخت سازمان برق منطقه‌ای استان خراسان و کارخانه‌های قند و سیمان را تأمین کرده است.

۳- طرح سرخس - نکا: طبق برنامه‌ای که در سال 1353 تهیه و مورد تأیید قرار گرفت، مقرر شد برای گازرسانی به نیروگاه نکا و نیز مصارف صنعتی و خانگی تعدادی از شهرهای استان خراسان، مازندران و گلستان، مانند قوچان، شیروان، بجنورد و گرگان که در مسیر لوله‌ی گاز به نکا قرار داشتند، منبع گاز ترش مزدوران توسعه یابد و تأسیسات لازم برای ارسال و انتقال این گاز به پالایشگاه پیش‌بینی شود.

با برنامه‌ی گسترش صنایع و روند افزایشی مصرف در سطح کشور و با توجه به مشکلات حمل مواد نفتی از جنوب به شمال کشور



و هم چنین مزایای متعدد جایگزین کردن مواد مختلف نفتی با گاز، در نظر گرفته شد که قسمت قابل توجهی از سوخت مورد نیاز نیروگاه‌های بزرگ (به ویژه نیروگاه نکا) و صنایع مختلف در استان‌های خراسان و مازندران، با استفاده از منبع بزرگ مزدوران تأمین شود. فعالیت‌های مربوط به این طرح بزرگ پس از انقلاب، به رغم کارشکنی‌های مختلف، از جمله تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی، توسط کارشناسان ایرانی ادامه یافته و اکنون تأسیسات عظیم طرح سرخس - نکا عملاً به مرحله بهره‌برداری رسیده است.

صنعت پتروشیمی^۱

سابقه‌ی صنعت پتروشیمی در ایران - صنایع پتروشیمی در ایران، برای اولین بار در سال ۱۳۴۲ با بهره‌برداری از مجتمع کودهای شیمیایی در مرودشت شیراز آغاز شد و از آن پس، با تأسیس شرکت ملی صنایع پتروشیمی در اوایل سال ۱۳۴۴ و احداث مجتمع‌های متعدد در کشور، به سرعت توسعه یافت، به طوری که در حال حاضر، جمع سرمایه‌گذاری در این صنعت بیش از ۳۰۰ میلیارد ریال و تعداد کارکنان آن بیش از ۸۰۰۰ نفر شده‌اند. پس از انقلاب اسلامی، خط مشی و سیاست‌های شرکت ملی صنایع پتروشیمی با توجه به نقش این شرکت به‌عنوان مجری صنایع پایه و مادر در تولید مواد بنیادی و استراتژیک و هم‌چنین طرح‌های صادراتی به‌طور کلی مورد تجدیدنظر قرار گرفت.

طرح‌های جدید پتروشیمی در برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی اول، با توجه به این معیارها و هم‌چنین عواملی مانند تکمیل زنجیره‌های تولیدی، تأمین نیازهای بخش‌های صنعتی پایین دستی، تأمین مواد اولیه از داخل، سادگی فناوری، پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری، بالا بودن ارزش افزوده و صرفه‌جویی هرچه بیشتر در ارز و سوددهی، انتخاب و پیشنهاد شده است.

به‌طور کلی، فعالیت‌های صنایع پتروشیمی در ایران را می‌توان به دو بخش مجتمع‌ها و واحدهای موجود شرکت ملی صنایع پتروشیمی و واحدهای موجود سایر بخش‌ها تقسیم کرد. عملیات شرکت ملی صنایع پتروشیمی در حال حاضر در قالب هفت واحد تولیدی مجتمع پتروشیمی شیراز، مجتمع پتروشیمی رازی، مجتمع پتروشیمی آبادان، مجتمع شیمیایی خارک، مجتمع پتروشیمی ایران نیپون، کارخانه‌ی کربن ایران و کارخانه‌ی پولیکا انجام می‌گیرد.

مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن - طرح مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن با مشارکت ۵۰ - ۵۰، بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت توسعه‌ی شیمیایی ایران در بندر امام خمینی احداث شد. تاکنون حدود ۸۵ درصد از کارهای ساختمانی آن انجام شده ولی بعد از انقلاب، به دلیل جنگ تحمیلی و دیگر مشکلات مشارکت با شرکای ژاپنی، کارهای تکمیلی آن متوقف شد. در اواخر سال ۱۳۶۸ دولت ژاپن با پرداخت ۱۳۰ میلیارد یمن خسارت به ایران، از این پروژه کناره‌گیری کرد. در حال حاضر، دست دولت ایران برای ادامه‌ی ساختمان و تکمیل این پروژه باز است و با توجه به شرایط و نظر کارشناسان، از سایر شرکت‌های خارجی برای تکمیل و راه‌اندازی این پروژه عظیم استفاده خواهد کرد.

هدف از اجرای این پروژه، تولید مواد اساسی و بنیانی پتروشیمی (مانند اولفین، آروماتیک‌ها) و مواد مشتقه‌ی آن، نظیر پلاستیک‌ها و لاستیک مصنوعی در داخل کشور و بی‌نیاز کردن کارخانه‌های داخلی از این نوع مواد و در نتیجه جلوگیری از خروج

۱. پتروشیمی از دو کلمه‌ی پترول و شیمی تشکیل گردیده است و صنعت پتروشیمی علم به‌دست آوردن مشتقات نفت خام می‌باشد. پترول به معنی نفت خام و شیمی به‌عنوان علم جسم و قوانین و واکنش‌های مشتقات آن با یکدیگر در شرایط مختلف است.



ارز و گام برداشتن در جهت خودکفایی بوده است. علاوه بر این، اجرای این پروژه باعث جلوگیری از سوختن و به هدر رفتن مقادیر بسیار عظیمی از گازهای همراه با نفت در مناطق اهواز و مارون خواهد شد. در ضمن، از طریق تولید مواد آروماتیک و صادرات مازاد بر مصرف داخلی، درآمد ارزی ایجاد خواهد کرد.

اهمیت صنایع پتروشیمی در اقتصاد کشور

پتروشیمی، صنعتی است که امکانات فراوان دارد. ایران از منابع وسیع هیدروکربور (نفت و گاز) که مواد اولیه‌ی مورد نیاز این صنعت است، در حد وسیعی برخوردار است و از این جهت وضعیت بسیار مناسبی برای صنایع پتروشیمی دارد. نیاز فراوان و روزافزون بازارهای داخلی به فرآورده‌های این صنعت و امکانات صادراتی آن، از چشم‌اندازهای مطلوب گسترش این صنعت در ایران است. این فرآورده‌های صنعت بسیار متنوع است و به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: کودهای شیمیایی، مواد پلیمر (پلاستیک‌ها، لاستیک‌ها و الیاف مصنوعی) و مواد شیمیایی.

فرآورده‌های صنعت پتروشیمی به‌عنوان یک صنعت مادر، تأمین‌کننده‌ی بسیاری از مواد اولیه و مصرفی مورد نیاز شمار فراوانی از صنایع است. فرآورده‌های پتروشیمی، در صنایع زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد:

کشاورزی: کودهای شیمیایی، شبکه‌های آبیاری

صنایع غذایی: حلال‌ها و اسیدها

صنایع پلاستیک: انواع پلاستیک‌ها

صنایع نساجی: مواد میانی برای تولید الیاف مصنوعی

صنایع بسته‌بندی: انواع پلاستیک‌ها

صنایع رنگ‌سازی: حلال‌ها

صنایع چسب‌سازی: حلال‌ها - پلیمرها

صنایع لوازم خانگی: انواع پلاستیک‌ها

صنایع لاستیک‌سازی: لاستیک‌های مصنوعی

صنایع شیشه‌سازی: کربنات سدیم

صنایع مواد شوینده: الکیل بنزن خطی، دودسیل بنزن و پلی فسفات سدیم

صنایع مصالح ساختمانی: انواع پلاستیک‌ها

صنایع کابل‌سازی: انواع پلاستیک‌ها

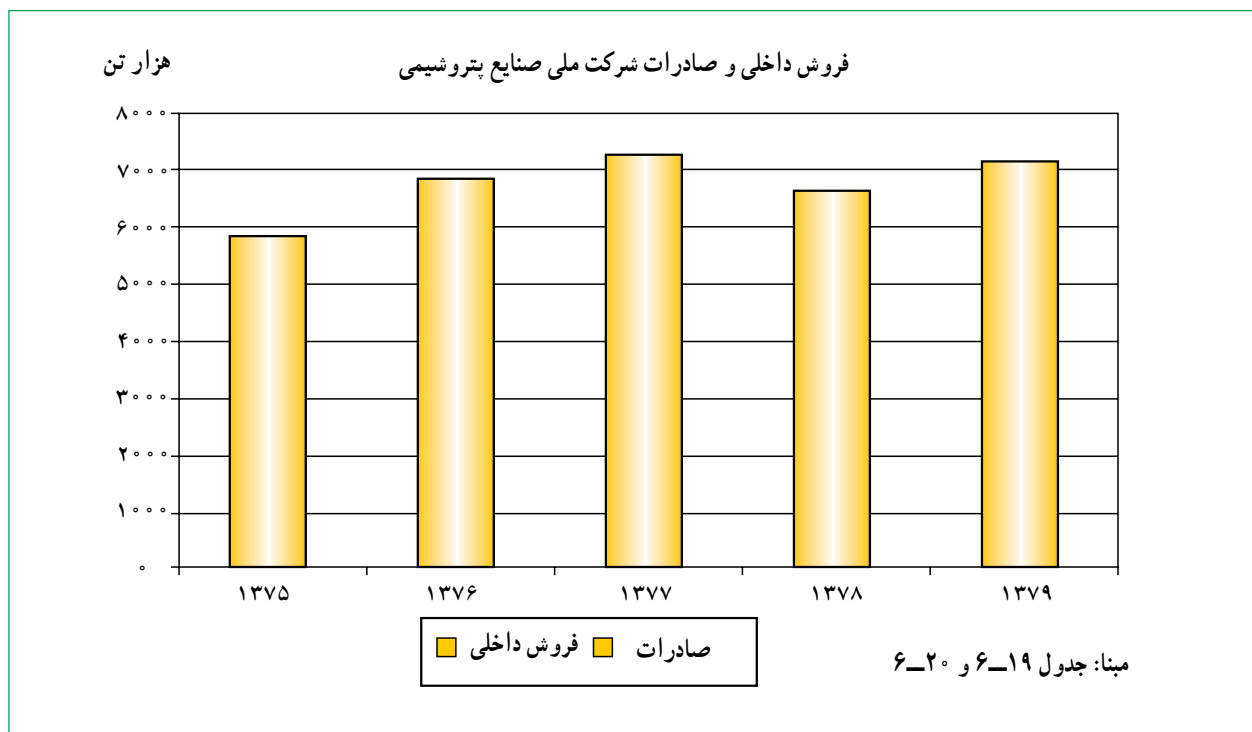
اهمیت دیگر این صنعت، ایجاد اشتغال در سطحی وسیع است. طبق محاسباتی که صورت گرفته، با ایجاد هر شغلی در این صنعت، حدود ۲۰ شغل در صنایع وابسته به آن به‌وجود می‌آید. بدین ترتیب، صنعت جوان پتروشیمی ایران به دلیل وضعیت فوق‌العاده‌ای که دارد، سهم مهمی در ایجاد اشتغال دارد. به‌هرحال، ایجاد و تولید صنایع پتروشیمی علاوه بر اشتغال هم‌اکنون، نیاز ساختن کشور به وارد کردن مواد پتروشیمی و هم از طریق صدور فرآورده‌های آن، به موازنه بین صادرات و واردات کشور کمک مؤثری خواهد بود و در اقتصاد ملی اهمیت شایانی خواهد داشت.



مقدار و ارزش صادرات شرکت ملی صنایع پتروشیمی برحسب گروه محصولات (هزار تن - میلیون دلار)

۱۳۸۴		۱۳۸۳		۱۳۸۲		۱۳۸۱		۱۳۸۰		۱۳۷۵		گروه محصول
مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	
۲۳۲۳	۵۲۱۶	۱۷۲۶	۵۲۰۱	۱۲۲۵	۴۵۴۴	۹۴۱	۳۸۹۹	۷۹۵	۴۰۱۱	۵۰۷	۲۶۵۶	جمع
۱۹۳	۱۷۴	۱۰۰	۹۳	۷۶	۱۰۵	۱۱۵	۲۰۲	۷۳	۱۴۲	۷۰	۱۲۸	پلیمر
۴۸۰	۱۳۹۸	۳۴۲	۱۰۶۵	۲۳۲	۷۴۹	۲۰۴	۸۳۴	۱۱۸	۶۵۱	۹۳	۳۳۲	شیمیایی
۴۷۱	۵۶۴	۲۵۵	۲۸۷	۱۷۲	۳۳۵	۱۳۰	۲۹۹	۱۱۷	۳۸۵	۴۸	۱۷۵	آروماتیک
۱۰۸۴	۲۳۲۵	۹۰۹	۲۵۸۰	۶۴۶	۲۴۵۹	۴۲۵	۱۶۹۲	۴۴۲	۲۰۱۰	۲۳۵	۱۲۵۵	سوخت
۹۵	۷۵۵	۱۲۰	۱۱۷۶	۹۹	۸۹۶	۶۷	۸۷۳	۴۵	۸۲۳	۶۱	۷۶۶	کود و سموم و مواد وابسته

مأخذ: شرکت ملی صنایع پتروشیمی، مدیریت برنامه‌ریزی و توسعه. امور برنامه‌ریزی تلفیقی و نظارت.





صنایع فلزی

صنعت فولاد در ایران

تاریخچه فولاد در ایران و کاربرد آن — فولاد به عنوان یک کالای اساسی در اقتصاد ایران، به طور کلی در دو بخش مهم ساختمانی و صنعتی استفاده شده است. تا پیش از سال ۱۳۱۰، عملاً کاربرد فولاد در ایران در دو بخش ساختمانی و صنعتی در سطح بسیار محدودی بود. در این دوره، در بخش ساختمانی به دلیل استفاده از مصالح محلی و روش های سنتی ساختمانی، مصرف فولاد بسیار ناچیز بود. در مناطق شمالی کشور، به دلیل وجود مصالح چوبی و سایر مصالح محلی اغلب ساختمان ها بدون استفاده از فولاد بنا می شد و سایر مصالح محلی، مانند خشت و آجر مصرف فراوانی داشت که در ساختمان به شکل سنتی، از قبیل طاق های چوبی و گنبدی به کار می رفت. در این دوره، در بخش صنایع نیز به علت نبود صنایع و کارخانه های بزرگ در مقیاس صنعتی، تقریباً فولاد، مصرفی نداشته است. نیازهای اندک به فولاد نیز به صورت قطعات و ماشین آلات ساخته شده از خارج وارد می شد. با شروع و اجرای طرح های احداث راه آهن سرتاسری و احداث جاده های ارتباطی و ایجاد صنایع اولیه، از قبیل کارخانه های سیمان، قند و نساجی، کاربرد فولاد در کشور به طور چشمگیری افزایش یافت. با شناخته شدن این کالای اساسی رفته رفته کاربرد آن در بخش ساختمانی نیز گسترش یافت. مقارن آن، طرح احداث اولین کارخانه ذوب آهن برای تأمین فولاد مورد نیاز در کشور که در سال ۱۳۱۶ حدود ۱۰۰۰۰۰ تن برآورد شده بود، مورد توجه قرار گرفت. با شروع جنگ جهانی دوم، ایجاد کارخانه های مذکور متوقف شد. در سال های بعد از جنگ جهانی دوم تا اواسط دهه ی ۱۳۳۰، به علت عدم ثبات سیاسی و رکود اقتصادی ناشی از آن و توقف پروژه های عمرانی، اصولاً دیگر فولاد به عنوان یک کالای اساسی صنعتی نبود و به صورت کالای واسطه در بخش ساختمانی درآمد. احتیاجات محدود بخش صنعت نیز به صورت ماشین آلات و قطعات ساخته شده به کشور وارد می شد. روند مزبور تا اواسط دهه ی ۱۳۴۰ ادامه داشت و از اواسط این دهه، فولاد ساختمانی با رشد متوسط سالانه حدود ۹۰ درصد بازار مصرف را به خود اختصاص داد.

تولید و مصرف فولاد در ایران — تا سال ۱۳۴۶ تمام فولاد مصرفی در کشور از طریق واردات تأمین می شد. در این سال، نخستین کارخانه ی نورد با ظرفیتی معادل ۶۵۰۰۰ تن در اهواز بنا شد. تا اواخر سال ۱۳۵۱، چهار کارخانه ی نورد و دو کارخانه ی لوله سازی نیز از طرف بخش خصوصی در همین منطقه تأسیس شد.^۱

منابع تهیه ی مواد اولیه فولاد در ایران — صنعت فولاد مصرف کننده ی عظیم مواد خام معدنی، نظیر زغال سنگ، سنگ آهن، سنگ آهک، مواد نسوز و جز این هاست. نیاز کارخانه ی ذوب آهن اصفهان در حد تولید (کوره ی بلند اول) حدود ۹۰۰۰۰۰ تن زغال سنگ خام (۵۰۰۰۰۰ تن زغال سنگ شسته) است که از معادن زغال سنگ کرمان، البرز شرقی (شاهرود)، البرز مرکزی (زیر آب)، البرز غربی (سنگرود) تأمین می شود. زغال سنگ مورد نیاز کوره ی بلند دوم که با حداقل ظرفیت شروع به کار

۱. تا سال ۱۳۵۱، ظرفیت کارخانه های نورد فولاد کشور از ۲۶۰۰۰ به ۳۸۴۰۰۰ تن رسید و این رقم سهم تولید داخلی فولاد در تأمین مصرف کشور را به ۲۰ درصد رسانید. در سال ۱۳۶۱، این مقدار به حدود ۷۶۴۰۰۰ تن رسید. در طی این دوره مصرف فولاد از ۱/۳۴ میلیون تن در سال ۱۳۴۶ به ۲/۷۳ میلیون تن در سال ۱۳۶۱ افزایش یافته است.



کرده، در حال حاضر حدود ۶۰ درصد از منابع داخلی و ۴۰ درصد آن از خارج تأمین خواهد شد ولی این معادن در حال تجهیز و آماده‌سازی برای تأمین زغال سنگ مورد نیاز مرحله‌ی توسعه است.

هم‌چنین کارخانه‌ی ذوب آهن اصفهان از ابتدای بهره‌برداری کوره‌ی بلند اول، سالانه حدود یک میلیون تن سنگ آهن با عیار ۵۹ درصد مصرف کرده است که از معدن سنگ آهن چغارت در منطقه‌ی بافق تأمین شده است. با شروع بهره‌برداری کوره‌ی بلند دوم که سالانه حدود ۳ میلیون تن سنگ آهن با عیار ۵۹ درصد مصرف می‌کند، لازم بود که معدن چغارت برای تأمین این مقدار سنگ آهن تجهیز و آماده شود که این کار انجام شده است. در ضمن مجتمع فولاد اهواز با ظرفیت تولیدی ۱/۵ میلیون تن فولاد سالانه، نیاز به ۴/۵ میلیون تن سنگ آهن با عیار ۶۶ درصد آهن دارد و برای تأمین این ماده‌ی خام در سال ۱۳۵۳ قراردادی بین دو دولت ایران و هند منعقد شد که به موجب آن دولت ایران در ساختمان و تجهیز یک کانسار سنگ آهن واقع در جنوب غربی هند سرمایه‌گذاری کرد و دولت هند متقابلاً متعهد به تحویل سالانه ۷/۵ میلیون تن سنگ آهن به ایران شد. برای تأمین سنگ آهن موردنیاز مجتمع فولاد اهواز از منابع داخل کشور نیز مطالعات جدیدی در سراسر کشور آغاز شده است. سنگ آهک خام نیز از جمله مواد اولیه‌ی اساسی صنعت فولاد است. مجتمع پیر بکران که دارای منابع وسیعی از سنگ آهک با کیفیت مطلوب است و کارخانه‌ی دانه‌بندی با ظرفیت تولیدی یک میلیون تن سنگ آهک دانه‌بندی شده، نیاز کارخانه‌ی ذوب آهن اصفهان را تا مرحله‌ی اول (۱/۹ میلیون تن فولاد در سال) تأمین خواهد کرد. برای تأمین سنگ آهک مورد نیاز مرحله‌ی دوم توسعه (۴/۴ میلیون تن فولاد در سال)، مطالعات و طراحی توسعه‌ی معدن و کارخانه دانه‌بندی پیش‌بینی شده و ساختمان آن نیز از سال ۱۳۶۵ آغاز شده است. مجتمع فولاد مبارکه به‌عنوان اولین مجتمع بزرگ صنعتی و اولین واحد تولید فولاد، عظیم‌ترین واحد صنعتی کشور است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ساخته شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. پودر سنگ آهن مورد نیاز فولاد مبارکه از معادن گل‌گهر و چادرمو تأمین و به وسیله‌ی راه‌آهن به واحد انباشت و برداشت مجتمع منتقل می‌شود.

مجتمع فولاد اهواز سالانه به ۵۵۰۰۰۰ تن سنگ آهک دانه‌بندی شده احتیاج دارد که از منابع سنگ آهک حوض ماهی تأمین خواهد شد. براساس برنامه‌ی تنظیم شده، طراحی و ساختمان و تجهیز معدن در سال ۱۳۶۳ صورت گرفته و بهره‌برداری از آن نیز از اواخر سال ۱۳۶۵ آغاز شده است.

صنعت مس در ایران

تاریخچه‌ی صنعت مس در ایران — صنعت استخراج و ذوب مس در ایران سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد و کسانی که به این حرفه می‌پرداخته‌اند، با وسایل معمول زمان خود، سنگ مس را از معادن استخراج و در کوره‌های کوچک گلی به وسیله‌ی بوته‌های کویر و یا زغال، ذوب می‌کردند. گاهی برای سهولت ذوب، آن را با مواد دیگری، از جمله آهن، مخلوط می‌کردند و ذوب را ادامه می‌دادند تا مس چکش‌خوار به دست آید. آثار کوره‌های ذوب مس در اطراف کویر مؤید این موضوع است. هنوز هستند کسانی که فن استخراج و گداز مس را به روشی که در سابق در این کشور معمول بود، می‌دانند ولی پس از آن که محصولات خارجی به ایران وارد شد، محصولات وارداتی از جمله مس از لحاظ جنس مرغوب و از لحاظ قیمت ارزان‌تر از محصولات مس داخلی بود؛ بنابراین روش سنتی این صنعت، یارای رقابت با کالای خارجی را نداشت و رفته رفته منسوخ شد و روش نوین جایگزین آن گردید. تهیه‌ی مس به روش نوین از طریق کارخانه برای اولین بار حدود بیش از نیم قرن پیش در ایران متداول شد. مقارن همان ایام، کارخانه‌ای برای



تصفیه‌ی مس از زیمنس آلمان خریداری شد و در ۹ کیلومتری جنوب شرقی تهران در غنی‌آباد نصب گردید.

معادن مس ایران — ایران از نظر ذخایر معدنی بر روی کمربند مس جهان قرار گرفته است و از جنوب شرقی ایران شروع می‌شود و تا شمال غربی و نواحی آذربایجان ادامه دارد. ناحیه‌ی مس دار کرمان را می‌توان قسمتی از کمربند فلززایی ایران مرکزی به‌شمار آورد و به‌عنوان یک منطقه‌ی مجزا و با همان خصوصیات توده‌های مس موجود در آن، مورد مطالعه قرار داد.

از مهم‌ترین توده‌های مس این ناحیه که بهره‌برداری از آن‌ها فراهم شده، توده‌های مس سرچشمه و میدوک است. معدن مس سرچشمه که ذخیره‌ی آن تا عمق ۲۰۰ متر، ۴۵۰ میلیون تن کانه با عیار ۱/۱۲ درصد است و تا عمق ۵۰۰ متر به دو برابر افزایش می‌یابد، در حال حاضر ماده‌ی اولیه مورد نیاز کارخانه مس را تأمین می‌کند. معدن مس میدوک از دیگر معادن بزرگ مس کرمان است. معادن دیگری که شناسایی شده، دره‌زار پاریز و چهارگنبد نام دارد که در صورت بهره‌برداری مناسب از این معادن، نه تنها مصرف داخلی تأمین می‌شود؛ بلکه مقدار بسیاری از آن را می‌توان به خارج صادر کرد.

تولید مس در ایران — تولید مس از طریق بهره‌برداری از معادن مس موجود در کشور، به‌ویژه از محل مس سرچشمه کرمان صورت می‌گیرد. پیش از انقلاب اسلامی، به دلیل عدم بهره‌برداری از این معادن و هم‌چنین عدم کفایت تولید مس در داخل کشور، احتیاجات مس از طریق ورود قراضه و خرده ریز مس از کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس به‌ویژه کویت تأمین می‌شد که پس از ورود به کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگ و کوچک ذوب مس تحویل می‌شد و قراضه‌ها در کشور به شمش مس و ورقه‌های نورد شده‌ی مسی تبدیل می‌شد.

پس از انقلاب با اجرای سیاست حمایت از صنایع داخلی مس و جلوگیری از خروج بی‌رویه‌ی ارز و پایین بودن عیار مس‌های وارداتی، سیاست ممنوعیت واردات کالاهای مسی که در داخل امکان تولید آن وجود دارد، گرفته شد و معادن مس سرچشمه‌ی کرمان عهده‌دار تأمین مواد مسی مورد نیاز کشور شد. هم‌اکنون کارخانه‌ها و کارگاه‌های ذوب مس کشور، مواد اولیه‌ی خود را از طریق معادن مس سرچشمه و ضایعات کارخانه‌ی کابل‌سازی تأمین می‌کنند. واردات مس کشور، در حال حاضر محدود به ورود کالاهای مسی، مانند مفتول و لوله‌های مسی و مدارهای چاپی مسی پشت رادیو و تلویزیون و چند قلم دیگر است که در داخل امکان ساخت و تولید آن‌ها نیست.

مجتمع مس سرچشمه‌ی کرمان، به‌غیر از تولید مس در کارخانه‌های ذوب فلزات غنی‌آباد، تنها تولیدکننده‌ی مس در کشور است. در صورت بهره‌برداری مطلوب از قسمت‌های مختلف آن سالانه بیش از ۱۴۵۰۰۰ تن مس خالص تولید خواهد کرد که علاوه بر تأمین نیاز فعلی صنایع مس کشور، می‌تواند قسمتی از محصول را به کشورهای دیگر صادر کند.

نقش اقتصادی مس — مس از لحاظ موارد استفاده‌ای که در صنایع مختلف دارد، پس از آهن دومین فلز مهم به‌شمار می‌رود و مصرف آن در اثر پیشرفت صنایع الکتریکی و الکترونیکی افزایش قابل چشمگیری یافته است.

مهم‌ترین خواص فیزیکی مس، قابلیت هدایت حرارت و نیروی برق، مقاومت زیاد در مقابل فساد و زنگ‌زدگی در مجاورت هوا و قابلیت اختلاط آن با فلزات دیگر و تشکیل آلیاژهای مختلف است. از این رو، این فلز در ساختن مفتول الکتریکی و سیم‌های برق و تلگراف و تلفن به‌طور کلی در مکان‌هایی که به برق و نیروی الکتریسیته نیاز است، به‌کار می‌رود.

مصرف عمده‌ی مس در ایران در کارخانه‌های کابل‌سازی کشور است که حدود ۷۰ درصد مس را مصرف می‌کنند. این کارخانه‌ها حدود ۱۵ واحدند که در سراسر ایران پراکنده‌اند. پیشرفت صنایع الکتریکی و استفاده از مس در سایر صنایع موجب



از دیاد مس در ایران شده، به طوری که مصرف آن در مقایسه با سال ۱۳۴۶ که ۱۶۰۰۰ تن بوده به حدود ۶۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ تن در سال ۱۳۶۰ رسیده است. هم چنین ایجاد و گسترش صنایع جنبی آن نیز می تواند در رشد اقتصادی و صنعتی کشور مؤثر واقع شود. با توجه به راهکار صنعت در برنامه ی ۲۰ ساله که مبتنی بر جایگزینی تولید صناعی چون صنعت مس در دراز مدت به جای صادرات نفت، و در نتیجه تبدیل اقتصاد تک محصولی به یک اقتصاد متحرک و چند بعدی است، نقش مجتمع مس سرچشمه در این زمینه بسیار حائز اهمیت است.

ویژگی های صنایع ایران و نقش آن در اقتصاد کشور

وضعیت صنایع کشور که در صفحات قبل درباره ی آن سخن گفتیم، نشان می دهد که صنایع ایران دارای ویژگی های گوناگونی است. در این جا به ذکر ویژگی های مهم صنایع کشور می پردازیم:

۱- سهم صنایع در تولید ناخالص داخلی: بخش صنعت در سال های گذشته در اقتصاد ایران نقش عمده ای به عهده داشته است و سهم این بخش در محصول ناخالص داخلی دلیلی بر این مدعاست. بررسی سهم صنعت و معدن در محصول ناخالص داخلی در سال ۱۳۳۸ برابر ۹/۸ درصد بوده که در سال ۱۳۵۵ به ۱۷/۷ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۷ سهم بخش صنعت به ترتیب به حدود ۱۹/۱ و ۱۹/۷ درصد رسیده است؛ یعنی در مدت ۳۰ سال سهم صنعت در محصول ناخالص داخلی به حدود دو برابر افزایش یافته است. باید توجه داشت این افزایش سهم فقط ناشی از افزایش تولید نبوده؛ بلکه تغییرات ایجاد شده در سهم سایر بخش های اقتصادی نیز در آن مؤثر بوده است.

۲- عدم وجود تحرک کافی در صنایع: صنایع کشور طی دوره ی ۳۰ ساله ی گذشته از رشد چشم گیری برخوردار بوده است اما در این مدت برای کسب استقلال فنی، توسعه ی فناوری و کاهش میزان وابستگی صنایع اقدام اساسی نشده است؛ به طوری که اکثریت قریب به اتفاق صنایع، در همان وضعیت روزهای نخست خود قرار دارند. درباره ی عدم پویایی بیش تر صنایع به ذکر این نکته باید توجه داشت که غالب آن ها مواد اولیه خود را از خارج وارد می کنند؛ در حالی که بسیاری از آن ها در داخل کشور یافت می شوند. برای مثال، صنایع محصولات لاستیکی و پلاستیکی از جمله صناعی اند که مواد اولیه ی اصلی مورد نیاز خود را عمدتاً از خارج وارد می کنند و عملیاتی که در واحدهای صنعتی انجام می گیرد، عمدتاً قالب گیری است. کارخانه های لاستیک سازی و پلاستیک سازی در سالهای گذشته در زمینه ی تولید کائوچوی مصنوعی (بی. وی. سی) و دیگر رزین های پلاستیکی قدمی برداشته اند؛ در حالی که مواد اولیه ی تولید کائوچو و کائوچوی مصنوعی و دیگر رزین های پلاستیکی گاز اتیلن است که در ایران به مقدار فراوان وجود دارد.

۳- وابستگی صنایع به درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت: یکی از نقاط ضعف صنایع ایران، وابستگی شدید آن به درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت خام است. نتایج آمارگیری از کارگاه های بزرگ صنعتی که توسط مرکز آمار ایران انجام شده است، نشان می دهد که ۲۵۶ میلیارد ریال ارز مصرف شده در کارگاه های صنعتی کشور برای مقاصد سرمایه گذاری و هزینه های جاری، از طریق ارز حاصل از صادرات نفت خام تأمین شده است. بدیهی است هرگونه تغییری در میزان صادرات نفت خام، بر عملکرد صنایع اثر مستقیم دارد. بررسی سهم ارزش صادرات مواد نفتی در ارزش کل صادرات کشور در سال ۱۳۶۷، حاکی از این واقعیت است که ۹۳/۲ درصد ارزش کل صادرات را صادرات مواد نفتی تشکیل داده است. این ارقام به وضوح وابستگی صنایع



کشور به صادرات نفت خام را نشان می‌دهد.

۴- نیاز به سرمایه‌ی فراوان در صنایع ایران: صنایعی که در سال‌های گذشته به‌ویژه پیش از سال ۱۳۵۶ در کشور بنا شده، دارای فناوری پیشرفته و عمدتاً سرمایه‌بر است. بررسی‌های انجام گرفته در این زمینه در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰ نشان می‌دهد که به‌طور متوسط، برای ایجاد اشتغال هر نفر، قریب ۱,۷۰۰,۰۰۰ ریال سرمایه به کار رفته است.

آینده‌ی اقتصاد ایران و نقش صنعت در آن

برای آن که بتوانیم آینده‌ی صنعت ایران را بهتر ترسیم کنیم، باید قبلاً تنگناها و امکانات اقتصادی ایران را بسنجیم و سپس با توجه به این تنگناها و امکانات نقش آن را تعیین کنیم. در این جا به اختصار به بررسی تنگناها و امکانات مهم می‌پردازیم.

تنگناها

۱- پایان پذیر بودن ذخایر نفتی: بررسی‌های زمین‌شناختی نشان می‌دهد که ذخایر نفتی کشور در آینده‌ای نه‌چندان دور تمام خواهد شد؛ زیرا از ۵۹ میلیارد بشکه ذخایر نفتی کشور، تاکنون قریب ۳۸/۵ میلیارد بشکه‌ی آن استخراج شده و به مصرف رسیده است. بدیهی است با اتمام این ذخایر خدادادی، کشور ما هرساله، حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار درآمد ارزی خود را از دست خواهد داد.

۲- آهنگ پرشتاب رشد جمعیت: رشد سالانه‌ی جمعیت کشور ما در حال حاضر کمتر از ۱/۵ درصد است اما در گذشته نرخ رشد سالانه بسیار زیاد بود (حدود ۴ درصد) که این موضوع آثار چشمگیری بر بخش‌های مختلف اقتصادی داشت. نرخ رشد در بیش‌تر کشورهای توسعه یافته‌ی اروپای غربی، ژاپن و کانادا حدود ۰/۵ درصد و در برخی کشورهای در حال توسعه کم‌تر از ۳ درصد است.

۳- مشکلات موجود در بخش کشاورزی: وجود مشکلاتی در بخش کشاورزی، نظیر نامناسب بودن شرایط اقلیمی، توزیع نامناسب زمانی و مکانی بارندگی، دوری مراکز مصرف آب از منابع آن و بالاخره کم‌آبی ایران که به‌طور کلی از کم‌آب‌ترین کشورهاست، موجب می‌شود که امکان افزایش رشد محصولات کشاورزی همگام با رشد افزایش جمعیت به آسانی میسر نشود؛ افزون بر این که در حال حاضر محصولات کشاورزی تکافوی نیاز داخلی کشور را نمی‌کند. در نتیجه، برای تأمین مواد غذایی، هرساله باید نسبت به سال قبل مبالغ بیش‌تری ارز صرف واردات مواد غذایی شود. این موضوع نیز باعث می‌شود سطح سرمایه‌گذاری در بخش‌های عمده‌ی اقتصادی به‌ویژه بخش صنعت، محدودتر شود.

امکانات

۱- ذخایر عظیم گاز: براساس مطالعات زمین‌شناختی، کشور ایران از نظر ذخایر گاز پس از روسیه، دومین کشور جهان به‌شمار می‌رود. البته چه صدور گاز به‌صورت خام مقبولیت نفت را ندارد، اما با تبدیل آن به فرآورده‌های صنعتی و صدور آن می‌تواند به‌صورت منبع مطمئنی برای ایجاد درآمد ارزی کشور باشد.

۲- ذخایر معدنی کشور: ایران از نظر زمین‌شناسی و وجود کانی‌های گوناگون یکی از کشورهای غنی جهان است.



در صورتی که فناوری لازم برای تبدیل این مواد معدنی به فرآورده‌های صنعتی فراهم شود، می‌توان در درازمدت، علاوه بر تأمین مصارف داخلی کشور، مازاد محصولات صنعتی را صادر کرد.

۳- تجربه در صنایع نفت: ایران دارای ۶۰ سال تجربه در صنعت نفت و گاز است که بسیاری از کشورها فاقد آن می‌باشند. این تجربه می‌تواند پشتوانه‌ی خوبی برای توسعه‌ی صنایع وابسته به نفت و گاز یعنی صنایع پتروشیمی باشد.

۴- درآمد ارزی حاصله از صادرات نفت: برای تبدیل گاز طبیعی، نفت و کانسارهای ایران به فرآورده‌های صنعتی، به سرمایه‌ی هنگفتی نیاز است که خوشبختانه ایران از عهده‌ی آن برمی‌آید. اگر برخلاف گذشته، از این درآمد ارزی، به‌جا و طبق برنامه استفاده شود، می‌توان از آن در جهت دستیابی به فناوری لازم برای تحقق هدف‌های یادشده، استفاده کرد.

۵- بازار مصرف بزرگ: در آینده‌ای نه چندان دور، یک بازار مصرف بزرگ‌تر از جمعیت ۵۰ میلیون نفری فعلی در کشور وجود خواهد داشت که این بازار می‌تواند تأسیس خیلی از صنایع را در داخل کشور برای تولید انبوه، حتی بدون در نظر گرفتن صادرات، مقرون به صرفه کند.

در پایان، تحلیلگران اقتصاد ایران بر این عقیده‌اند که با در نظر گرفتن ویژگی‌های اقتصادی کشور، یکی از بخش‌هایی که می‌تواند در آینده در جهت تأمین ارز مورد نیاز ایران جایگزین صنعت نفت شود، بخش صنایع به‌تنهایی یا همراه با بخش‌های دیگر اقتصادی است. البته در توسعه‌ی صنایع، توجه به رشته‌هایی که کشور در آن دارای برتری نسبی است، الزامی است. از آن‌چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت اقتصاد جامعه برای گام نهادن در راه رشد و توسعه باید ابتدا امکانات و منابع موجود را شناسایی و سپس با آگاهی به تهیه‌ی برنامه‌های توسعه اقدام نماید.

بازرگانی خارجی

تاریخچه‌ی مختصر بازرگانی خارجی ایران — کشور ایران از قدیم با کشورهای همجوار و نیز سایر کشورها، روابط بازرگانی داشته است. این روابط در طول تاریخ بارها دستخوش تغییر شده و گاهی در پرتو حکومت مقتدر و امنیت داخلی به اوج ترقی رسیده و کشور از لحاظ اقتصادی در ردیف کشورهای غنی و ثروتمند قرار گرفته است (مانند دوران صفویه). گاهی نیز در اثر اغتشاشات و جنگ‌های خارجی و داخلی تجارت کاهش یافته و تا مدتی بعد از آن هم چنان بازده کشاورزی و صنعت و تجارت تنزل فاحش داشته است (مانند دوره‌ی استیلای مغول و بعد از آن). به‌علاوه ایران به‌علت موقعیت طبیعی و جغرافیایی خود از قدیم در مسیر بازرگانی شرق و غرب قرار داشته است. این امر نیز به توسعه‌ی بازرگانی ایران کمک کرده است. صادرات عمده‌ی ایران از دوران صفوی تا اوایل دوران قاجاریه، عبارت بود از: ابریشم، پارچه‌های زرین و زربفت، حریر، مخمل، صنایع دستی و بعضی از محصولات کشاورزی. در آن زمان ایران احتیاج زیادی به کالای خارجی نداشت و جز ادویه، عطر، قهوه، چای و مقداری اسلحه‌ی آتشی برای قشون، بقیه‌ی احتیاجات در داخل کشور تهیه می‌شد و واردات و صادرات ایران کاملاً متعادل داشت. از اوایل قرن نوزدهم، با توسعه‌ی تولید ماشینی در اروپا و ورود تدریجی این محصولات به بازار ایران و رقابت با محصولات داخلی، وضع دگرگون شد و عواملی چند از قبیل رقابت‌های اقتصادی و سیاسی روس و انگلیس در ایران، نبودن ثبات در قدرت حکومت مرکزی، کشمکش‌های داخلی و خارجی، نبودن امنیت و ضعف زمامداران وقت، نفوذ اجانب در دستگاه‌های حکومتی، بی‌توجهی دولت به امور کشاورزی و صنایع و تجارت نیز دست به دست هم داد و موجبات فقر اقتصادی کشور را فراهم ساخت.



رقابت مصنوعات خارجی با پشتیبانی روزافزون سیاسی کشورهای بزرگ و مداخلات بی جا، برای کسب امتیازات غیرقانونی، آثار شومی در تولید مصنوعات و مبادلات خارجی کشور داشت. قراردادهایی که به دنبال جنگ‌ها به ایران تحمیل شد، راه را برای نفوذ کشورهای بزرگ استعمارگر هموار ساخت؛ به طوری که امکان دفاع و مقابله را از ایران سلب کرد. اولین محدودیت گمرکی، بعد از جنگ ایران و روس، به موجب عهدنامه‌ی گلستان در اکتبر ۱۸۱۳ میلادی برابر با سال ۱۱۹۲ هجری شمسی و هم‌چنین عهدنامه‌ی ترکمانچای در سال ۱۸۳۸ میلادی برابر با سال ۱۲۱۷ هجری شمسی به ایران تحمیل شد. به موجب عهدنامه‌های یادشده، ورود هر نوع کالا از روسیه‌ی تزاری به ایران آزاد و حداکثر حقوق گمرکی ۵ درصد تعیین شد. پس از برقراری کاپیتولاسیون اغلب کشورها با ایران قراردادهای تجاری منعقد کردند و از جمله، دولت انگلستان از همان مزایای روسیه‌ی تزاری برخوردار شد. این قراردادها مرزهای ایران را در برابر نفوذ اقتصادی اروپا بدون دفاع گذاشت و بدین ترتیب استقلال ایران از بین رفت. صنایع ملی مغلوب صنایع ماشینی اروپایی شد و بازار کشور به دست بیگانگان افتاد.

وضعیت بازرگانی خارجی کشور در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی — افزایش قابل ملاحظه‌ی دریافت‌های ارزی کشور که از ترقی قیمت جهانی نفت خام در سال ۱۳۵۲ حاصل شد، موجب شد که سیاست‌های بازرگانی خارجی ایران در جهت تسهیلات بیش‌تر در زمینه‌ی واردات تغییر یابد. افزایش سریع درآمدهای نفتی و در نتیجه رشد سریع هزینه‌های جاری و عمرانی دولت، همراه با توسعه‌ی چشمگیر اعتبارات سیستم بانکی که رشد سریع تقاضای داخلی را به دنبال داشت، موجب بروز عدم تعادل در بخش‌های مختلف اقتصاد و شکاف بین عرضه و تقاضای کل و ازدیاد فشارهای تورمی شد.

دولت وقت برای حل این مسئله، سیاست دروازه‌های باز را اتخاذ کرد و تصمیم گرفت برای بالا بردن هرچه بیش‌تر تولید داخلی و در نتیجه عرضه‌ی کل، واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و واسطه را افزایش دهد، اما گسترش صنایع کشور که یکی از هدف‌های اصلی دولت به‌شمار می‌رفت، هیچ‌گاه به حد مطلوب نرسید و با توجه به کمبود تولید داخلی تقاضا برای واردات کالاهای مصرفی به شدت افزایش یافت. در چنین موقعیتی، دولت وقت به منظور افزایش عرضه‌ی کل، برای واردات کالا تسهیلات بیش‌تری فراهم آورد. در جهت اعمال این سیاست نه تنها واردات برخی از کالاها آزاد اعلام شد، بلکه سود بازرگانی شمار فراوانی از کالاها نیز کاهش یافت و یا به کلی حذف شد. به علاوه حق ثبت سفارش ورود کالا نیز از ۵/۵ درصد از اول فروردین ۱۳۵۳ به یک درصد تقلیل یافت و دریافت ودیعه‌ی ثبت سفارش تمام کالاهای وارداتی از اول مرداد ۱۳۵۳ به ۱۵ درصد محدود شد. در نتیجه‌ی این تسهیلات و هم‌چنین به دلیل افزایش درآمد ارزی کشور، واردات گمرکی ایران که در سال ۱۳۵۲ معادل ۳/۷ میلیارد دلار بود، در سال ۱۳۵۶ به ۱۴/۶ میلیارد دلار رسید. افزایش سریع واردات اگرچه تا حدودی در تخفیف فشارهای تورمی مؤثر واقع شد ولی از سوی دیگر، موجب بروز تنگناهای متعدد در زمینه‌ی تخلیه و انبارداری، ترخیص، حمل و نقل و توزیع کالاهای وارداتی شد. این امر به نوبه‌ی خود مدت انتظار کشتی‌ها برای تخلیه در بنادر را به شدت افزایش داد؛ به نحوی که گاهی اوقات مدت انتظار برخی از کشتی‌ها برای تخلیه به بیش از ۱۸۰ روز رسید. در نتیجه، میزان اضافه پرداخت به شرکت‌های حمل و نقل افزایش چشمگیری یافت و به ترقی قیمت تمام شده‌ی بسیاری از کالاهای وارداتی انجامید.

کاهش صادرات غیرنفتی در سال‌های قبل از انقلاب — افزایش تقاضای کل که در نتیجه‌ی رشد سریع هزینه‌های جاری و عمرانی دولت ایجاد شده بود، نه تنها موجب افزایش واردات کشور شد؛ بلکه مقداری از این تقاضا متوجه کالاهای صادراتی گردید و حجم کالاهای قابل صدور را نیز کاهش داد. از این رو، وجود بازار مناسب و درعین حال توجه کمتر تولیدکنندگان اغلب کالاهای



صادراتی به بهبود کیفیت کالاهای تولیدی، موجب شد صادرات غیرنفتی کشور به دلیل عدم امکان رقابت با کالاهای مشابه خارجی کاهش یابد و در طی دوره ۱۳۵۶-۱۳۵۲ ارزش کالاهای صادره از کشور به طور متوسط حدود ۱۰/۳ درصد کاهش پیدا کند و از ۶۳۵ میلیون دلار به قیمت جاری در سال ۱۳۵۲ به ۶۲۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۶ محدود شود.

وضعیت بازرگانی خارجی کشور بعد از پیروزی انقلاب — پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به طور کلی در سیاست‌های بازرگانی خارجی کشور با هدف کاهش وابستگی به خارج، تجدید نظر شد. بدین منظور، سیاست بازرگانی خارجی که در گذشته بیش‌تر در جهت تسهیل واردات مصرفی اعمال می‌شد، از سال ۱۳۵۸ با توجه به نیازهای واقعی کشور مبنی بر ورود کالاهای غیرمصرفی و اساسی تغییر جهت داد. اما از هم گسیختگی اقتصاد کشور به دلیل اعتصابات گسترده‌ی مردم در سال ۱۳۵۷ و هم‌چنین عدم تسلط کامل دولت موقت و نبود برنامه‌ی مشخص در اجرای هدف‌ها و سیاست‌های کلی کشور و نیز عوامل متعدد دیگر، موجب شد که سهم واردات مصرفی در کل واردات در سال ۱۳۵۸ هم‌چنان به روند صعودی خود ادامه دهد.

ادامه‌ی مشکلات موجود در سال ۱۳۵۸ به‌علاوه تحریم اقتصادی کشور در اوایل سال ۱۳۵۹ از جانب آمریکا و بعضی از کشورهای اروپای غربی و هم‌چنین بروز جنگ تحمیلی عراق از نیمه‌ی دوم همین سال موجب شد صادرات نفت به شدت کاهش یابد و در نتیجه منابع ارزی کشور محدود شود؛ هم‌چنین به سبب عدم امکان خرید به‌طور مستقیم و لاجرم رجوع به بازارهای واسطه، قیمت خرید کالاهای وارداتی افزایش یافت. مشکلاتی نظیر عدم انجام صحیح تعهدات از طرف فروشندگان و پایین بودن سطح کیفیت و مرغوبیت کالاهای خریداری شده، اشکالات بی‌شماری برای واردات کشور پدید آورد. البته نباید فراموش کرد که مشکلات ذکر شده، باعث شد قدم‌هایی در جهت خودکفایی برداشته شود و تولیدکنندگان داخلی بر کوشش‌های خود در جهت افزایش تولید و خودکفایی بیفزایند، به طوری که ثمرات آن در موارد متعددی مشاهده شده و خواهد شد.

به دنبال افزایش چشمگیر تولید و صادرات نفت و رفع برخی از مشکلات، موجب شد در سال ۱۳۶۱ فعالیت‌های اقتصادی در بسیاری از زمینه‌ها گسترش نسبی یابد. به رغم افزایش درآمدهای ارزی، سیاست‌های بازرگانی خارجی کشور هم‌چنان در جهت حرکت به سوی خودکفایی استوار بود و گام‌های مؤثری در جهت ورود کالاهای اساسی و ضروری برداشته شد. در این دوره، به دلیل اجرای سیاست دولت در جهت ارتقای سطح تولید و لزوم گسترش و رشد واحدهای تولید، ورود کالاهای سرمایه‌ای افزایش یافت. متقابلاً از یک سو به دلیل ادامه‌ی سیاست محدود کردن کالاهای مصرفی و غیرضروری، و از سوی دیگر، به دلیل سهمیه‌بندی ارزی و اجرای طرح عادلانه‌ی توزیع کالاها، سهم کالاهای مصرفی در کل واردات کاهش یافت.

لایحه‌ی دولتی کردن بازرگانی خارجی — در سال ۱۳۶۱، لایحه‌ی دولتی کردن بازرگانی خارجی به‌طور مقدماتی به تصویب رسید. این لایحه در زمینه‌ی روابط بازرگانی خارجی، عمدتاً شامل جلوگیری از سلطه‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بیگانگان بر کشور، کاهش اتکا به یک قطب اقتصادی، اولویت مبادلات تجاری با کشورهای مسلمان و مستضعف جهان، احتراز از انجام معاملات حرام، حفظ تعادل موازنه‌ی پرداخت‌ها، گسترش صادرات غیرنفتی و حمایت از تولید داخلی و تغییر الگوی مصرف به سوی معیارهای اسلامی است.

هم‌چنین در این سال تصمیم گرفته شد حق ثبت سفارش برای واردات کالا از ۱ درصد به ۲ درصد افزایش یابد. بانک مرکزی نیز با اتخاذ سیاست‌های گوناگون ارزی، اختصاص ارز را به مصارف ضروری محدود کرد. کمیسیون تخصیص ارز نیز در نحوه‌ی تخصیص ارز نظارت کامل کرد و موجبات تقلیل پرداخت‌های ارزی فراهم شد؛ به طوری که فروش ارز برای واردات کالا در



سال ۱۳۶۷ حدود ۱۳ درصد کم تر از سال پیش از آن شد. به دنبال سیاست دولت در جهت محدود کردن نقش بخش خصوصی در تجارت خارجی طی دوره ی ۶۱ - ۱۳۵۸ از میزان فروش ارز به بخش خصوصی برای واردات کالا کاسته شد. تشویق صادرات غیر نفتی - در سال ۱۳۶۱ نیز همانند سال های پیش از آن در زمینه ی صادرات غیر نفتی، اقدامات گسترده ای برای تشویق و توسعه ی کالاهای صادراتی به عمل آمد؛ از جمله مدت واریز پیمان های ارزی با نرخ ترجیحی برای صادرات فرش از یک سال به ۱۴ ماه افزایش داده شد. هم چنین به موجب تصمیمات اخذ شده از طرف دولت، تهاثر کالاهای غیر نفتی بخش خصوصی جایز اعلام شد و صادرکنندگان کالا مجاز شدند ارز حاصل از صادرات خود را به مصرف واردات کالا از خارج رسانده یا به نرخ تجاری به سیستم بانکی عرضه کنند.

کشورهای صادرکننده ی کالا به ایران - از نظر جغرافیایی، واردات کالا از کشورهای پیشرفته با اقتصاد باز، طی سال های ۱۳۷۰-۱۳۶۳ به طور متوسط سالانه حدود ۴/۶۶ درصد کل واردات گمرکی کشور را تشکیل داده است، سهم واردات از کشورهای سوسیالیستی در کل واردات در سال ۱۳۵۶ حدود ۵ درصد بود. با گسترش روابط بازرگانی ایران و کشورهای مذکور در سال های بعد از انقلاب اسلامی، سهم واردات از این کشورها بار دیگر روند صعودی یافت و در سال ۱۳۶۷ به حدود ۲/۹ درصد رسید. پس از انقلاب، در تحقق سیاست بازرگانی خارجی کشور که بر پایه ی اصل حاکمیت ملی و عدم تبعیض در روابط بین المللی استوار بود، به روابط بازرگانی به صورت تهاثری توجه بیش تری شد؛ به ویژه پس از تحریم اقتصادی و بروز جنگ و ایجاد محدودیت منابع ارزی، به رغم این که کالاهای وارده از این کشورها از لحاظ کیفیت در سطح نسبتاً پایین تری قرار دارند اما به دلیل مزایای زیر، گسترش روابط بازرگانی با کشورهای طرف قرارداد تهاثری مورد توجه قرار گرفت.

۱- صرفه جویی در ارز مصرفی برای واردات؛ زیرا ارزی که باید صرف ورود تعدادی از کالاها شود، از طریق صدور متقابل کالا جبران می شود.

۲- استفاده از پول های ملی درباره ی برخی از کشورها در پرداخت های ارزی

۳- به دست آوردن بازار فروش برای صادرات کالاهایی که قابل رقابت در سطح بین المللی نیستند.

۴- کاهش تورم وارداتی به دلیل توافق دو طرف در تعیین قیمت کالاها

۵- عدم امکان سوء استفاده از طریق کم یا زیاد نشان دادن قیمت کالاهای مورد معامله

طی دوره ی ۱۳۵۶ - ۱۳۵۳ به طور متوسط بیش از ۷/۶۷ درصد کل کالاهای وارداتی ایران، به ترتیب از شش کشور آلمان غربی، ژاپن، ایالات متحده ی امریکا، انگلستان، فرانسه و ایتالیا تأمین شده است و حدود $\frac{1}{5}$ کالاهایی که هر ساله به کشور وارد شده، از آلمان بوده است. این کشور همواره در بین صادرکنندگان کالا به ایران مقام اول را داشته است.

در سال ۱۳۵۹ در توزیع واردات گمرکی برحسب کشورها تغییراتی پدید آمد. در این سال به رغم کاهش واردات از کشورهای آلمان و ژاپن نسبت به دوره ی مشابه سال قبل دو کشور یاد شده هم چنان در مقام های اول و دوم کشورهای صادرکننده ی کالا به ایران قرار گرفتند. در مقابل، واردات از کشور شوروی سابق به میزان زیادی افزایش یافت و ارزش کالاهای وارده از این کشور از ۱۸۲ میلیون دلار در سال ۱۳۵۸ به ۸۱۹ میلیون دلار در سال ۱۳۵۹ رسید و شوروی سابق در بین کشورهای واردکننده ی کالا مقام سوم را به دست آورد ولی در سال های بعد واردات از شوروی سابق دوباره کاهش یافت.

در سال ۱۳۵۹ براساس سیاست دولت مبنی بر عدم ورود کالا از کشور امریکا و قطع روابط سیاسی و اقتصادی با این کشور،



کالایی از آمریکا به ایران وارد نشد. تحول مهم در سال ۱۳۶۱ افزایش بسیار زیاد واردات کالا از ترکیه بود؛ به طوری که این کشور در میان کشورهای واردکننده‌ی کالا به ایران به مقام سوم ارتقا یافت.

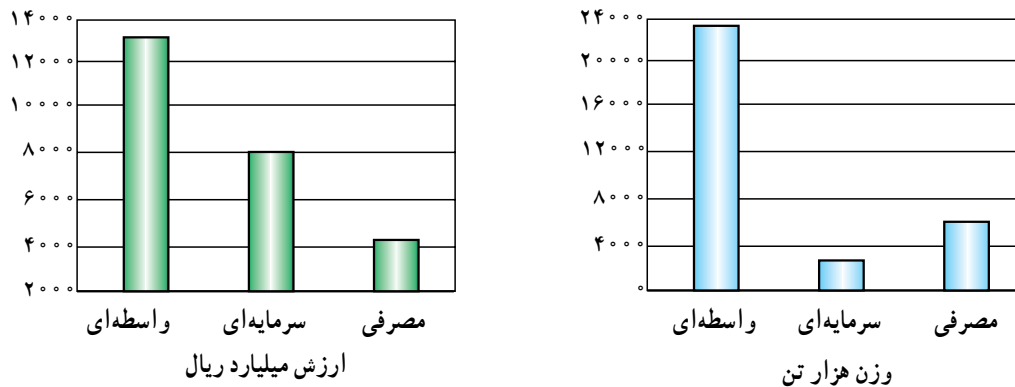
کشورهای واردکننده‌ی کالا از ایران — از نظر توزیع جغرافیایی، طی سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۲ کشورهای سوسیالیستی طرف قرارداد پایاپای، عمدتاً بزرگ‌ترین خریدار کالاهای صادراتی ایران بودند و ارزش صادرات کالاهای ایران به این کشورها با متوسط رشد سالانه‌ای حدود ۲/۲ درصد افزایش یافت. در دوره‌ی ۱۳۶۱-۱۳۵۸ به رغم آن‌که در سال ۱۳۶۱ صادرات به کشورهای سوسیالیستی طرف قرارداد پایاپای افزایش چشمگیری (حدود ۴۱ درصد) داشت، اما به دلیل کاهش شدید صادرات غیرنفتی به کشورهای فوق در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۵۸ صدور کالا به این کشورها به طور متوسط سالانه حدود ۱۰ درصد کاهش یافت. در میان کشورهای سوسیالیستی طرف قرارداد پایاپای، شوروی سابق همواره بزرگ‌ترین خریدار کالاهای صادراتی ایران بود. کشورهای عضو بازار مشترک اروپا نیز از مهم‌ترین خریداران کالاهای صادراتی ایران بودند و به رغم این که طی سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۲، میزان صادرات غیرنفتی ایران به این کشورها به طور متوسط، سالانه حدود ۷ درصد کاهش یافته بود، اما طی سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ میزان صادرات غیرنفتی به این کشورها افزایش چشمگیری داشت. در سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۷، صادرات کالا به کشورهای عضو بازار مشترک اروپا افزایش بسیار داشت و این گروه در صدر کشورهای خریدار کالاهای صادراتی غیرنفتی ایران قرار داشتند. در میان کشورهای بازار مشترک، آلمان همواره اولین کشور خریدار کالاهای صادراتی ایران بوده و به طور متوسط حدود ۲۳ درصد از کل صادرات ایران طی سال‌های فوق به این کشور فرستاده شده است. در میان این گروه، ایتالیا همواره مقام دوم را داشته است.

به طور کلی، در زمینه‌ی بازرگانی خارجی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که افزایش چشمگیر درآمد حاصل از صادرات نفت از سال ۱۳۵۲، به جای آن که در جهت توسعه‌ی اقتصادی و تأمین هرچه بیش‌تر استقلال کشور به کار گرفته شود، عملاً صرف سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عظیم و ناهماهنگ با اقتصاد ایران شده است. این کار جز وابستگی روزافزون اقتصادی و سیاسی کشور به خارج و افزایش قدرت‌های انحصاری و هم‌چنین تقویت روحیه‌ی مصرف‌گرایی در مردم و در نهایت نابودی صنایع کوچک و کشاورزی کشور، نتیجه‌ای نداشته است. به همین دلیل اقتصاد ایران نه تنها از نظر فناوری و مواد اولیه و واسطه، بلکه از لحاظ نیروی انسانی نیز به خارج متکی شده است.

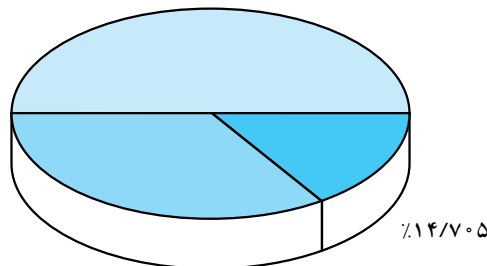
با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، هدف‌ها و سیاست‌های ارزی و بازرگانی کشور بر مبنای کاهش وابستگی به خارج استوار شد. از جمله، در زمینه‌ی بازرگانی خارجی، اصل چهل و چهارم قانون اساسی، تجارت خارجی را برعهده‌ی دولت گذاشت. به‌علاوه مقررات صادرات و واردات گمرکی کشور، در جهت محدود کردن واردات کالاهای تجملی و غیرضروری و تسهیل واردات مواد اولیه‌ی مورد نیاز صنایع و کالاهای اساسی تغییر و تنظیم یافت. هم‌چنین به منظور متعادل کردن عرضه و تقاضا، هدایت و مهار مصرف جامعه، حمایت از صنایع داخلی و جلوگیری از خروج ارز توسط سودجویان و نظارت بر امور ارزی، اقداماتی نیز در جهت دولتی کردن بازرگانی خارجی از طریق ایجاد ۱۰ مرکز تهیه و توزیع کالا شد. این مراکز نظارت بر توزیع کالاهای اساسی را که سهم عمده‌ای از تجارت خارجی را تشکیل می‌دهد، برعهده گرفتند. همپای آن، سازمان حمایت از مصرف‌کننده نیز مسئولیت مشابهی در سایر کالاها که از حیطة‌ی فعالیت مراکز فوق خارج بود، در دست گرفت. به‌دنبال اقدامات یادشده لایحه دولتی کردن تجارت خارجی به طور مقدماتی در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسید و خطوط اصلی سیاست بازرگانی خارجی تا حدودی مشخص گردید.



مقدار، ارزش و درصد ارزش واردات به تفکیک گروه کالا (سال ۱۳۷۹)



واسطه‌ای ۵۱/۵۵۳٪



سرمایه‌ای ۳۳/۷۴۲٪

نام گروه کالا	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیارد ریال)	درجه ارزش
واسطه‌ای	۲۲۸۸۵	۱۲۹۸۹	۵۱/۵۵۳
سرمایه‌ای	۴۹۹	۸۵۰۲	۳۳/۷۴۲
مصرفی	۲۶۲۶	۳۷۰۶	۱۴/۷۰۵

راه‌ها

یکی از عوامل مهم که در بسط و توسعه‌ی تجارت مؤثر است، وسایل حمل و نقل سریع و ارزان و سهولت ارتباط است. پیشرفت‌های اقتصادی و افزایش داد و ستد که در قرن اخیر در اغلب کشورها دیده می‌شود، مرهون آسانی ارتباط و راه‌هاست. نقش ارتباطات در انجام مبادلات به‌عنوان عامل زیربنای توسعه‌ی اقتصادی فوق‌العاده مهم است. توسعه و تحرک بازار و دسترسی به منابع متعدد اقتصادی، فقط با ایجاد تسهیلات ارتباطی حاصل می‌شود. بنابراین از نظر اقتصادی باید انواع وسایل ارتباطی، مانند راه شوسه، راه‌آهن، بنادر، فرودگاه و حتی وسایل مخابراتی را در نقاط مختلف کشور تجهیز کرد تا بتوان از اقتصاد بسته‌ی سنتی به مرحله‌ی رشد و توسعه‌ی اقتصادی رسید.

امروزه ارتباطات مکمل کار بازرگانی است؛ زیرا مراکز تولید و مصرف را به هم متصل می‌کند. در گذشته‌ی نزدیک، بسیاری از محصولات کشاورزی در ایران فقط در محل تولید مصرف می‌شد ولی امروز بخش عظیمی از محصولات کشاورزی که در



شهرها مصرف می‌شود، از جاهای دیگر تأمین می‌شود.

ایجاد راه‌های آسفالتی و شوسه و راه‌آهن در پیدایش کشتزارها، باغ‌ها، انواع صنایع غذایی و سایر کالاهای مصرفی در مناطق مستعد و علاوه بر این، در تغییر و تحول روابط اجتماعی و اقتصادی شهرها نقش اساسی دارد.

اهمیت وسایل ارتباطی به حدی است که بسیاری از کشورها وزارت‌خانه‌های خاصی برای اداره‌ی امور و توسعه‌ی آن تأسیس کرده‌اند. تا حدود ۶۰ سال پیش در ایران راه شوسه و آسفالتی وجود نداشت و در هیچ یک از تشکیلات کشوری حتی اداره‌ی کوچکی هم برای ساختن راه‌های کشور در نظر گرفته نشده بود. راه‌های آن زمان اغلب کاروان رو بود و مسافت بین شهر با دلیجان و کالسکه انجام می‌شد و کالاهای بازرگانی و محمولات پستی به وسیله‌ی گاری و چارپایان صورت می‌گرفت. بین دهات و قصبات فقط راه‌های مالرو وجود داشت. بعضی از همین راه‌های کاروان‌رو در گذشته‌ی دور، از راه‌های بسیار منظم بوده و در عصر خود نوعی بزرگراه به‌شمار می‌رفته است.

راه‌ها را می‌توان به سه نوع تقسیم نمود: راه‌های زمینی، راه‌های آبی و راه‌های هوایی

